



Designing a Public Welfare Model Based on Good Governance in the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare

Ahmad Yavarian

PhD Student of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Sedighe Tootian Esfahani*

Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, West Tehran Branch, Tehran, Iran.

Naser Mirsepasi

Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Gholamreza Memarzadeh Tehran

Associate Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 02/08/2021

Accepted: 28/11/2021

Abstract:

Today, due to the declining trend of public welfare in the country, it is important to the government, especially the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare, as the responsible body of public welfare, to implement appropriate strategies and programs. Therefore, the aim of this study is to design a public welfare model based on good governance in the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare. This study is applied, developmental in terms of purpose and is considered a descriptive-survey in terms of implementation method. In the qualitative stage, the theme analysis methodology was used and in the quantitative stage, the structural equation modeling was employed. In the qualitative stage, in order to design a framework, 20 academic and executive experts were interviewed who were purposefully selected. Based on the findings, 5 dimensions of economic, cultural, health, social, and happiness were identified for public welfare. As well, 9 strategies, based on good governance to promote public welfare, were identified to be implemented by Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare. In the quantitative stage, to validate the research model, 216 managers and specialists in the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare were surveyed with a questionnaire, for which the Cochran's formula was used and the random sampling method was employed. The data were analyzed using structural equation modeling. The findings confirmed the components of the research model. Moreover, the results showed that the Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare can improve public welfare in various dimensions of the model using strategies based on good governance.

Keywords: Public Welfare, Good Governance, Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare.

Corresponding Author, Email: tootian_ir@ yahoo.com

Original Article

DOI: 10.22034/jipas.2022.298094.1212

Print ISSN: 2676-6256

Online ISSN: 2676-606X

طراحی الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

احمد یاوریان

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

صدیقه طوطیان اصفهانی*

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، تهران، ایران.

ناصر میرسپاسی

استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

غلامرضا معمارزاده طهران

دانشیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱



انجمن علمی
مدیریت دولتی ایران

چکیده: با توجه به روند کاهشی رفاه عمومی در کشور ضرورت دارد دولت به‌ویژه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان متولی رفاه عمومی، راهبردها و برنامه‌های متناسب را به اجرا درآورد. از این رو هدف این پژوهش طراحی الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی از نوع پیمایشی است. در مرحله کیفی، از روش تحلیل تم و در مرحله کمی، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در مرحله کیفی به‌منظور طراحی الگوی پژوهش با ۲۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی مصاحبه شد که به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. براساس یافته‌ها، ۵ بعد اقتصادی، فرهنگی، سلامت، اجتماعی و خوشبختی (نشاط) برای رفاه عمومی شناسایی شدند. همچنین، ۹ راهبرد مبتنی بر حکمرانی خوب برای ارتقای رفاه عمومی از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مشخص شدند. در مرحله کمی برای اعتبارسنجی الگوی پژوهش از ۲۱۶ نفر از مدیران و متخصصان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با پرسشنامه و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی نظرخواهی شد. داده‌های حاصل با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد و یافته‌ها اجزای الگوی پژوهش را تأیید کردند. نتایج پژوهش نشان داد که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند با بهره‌گیری از راهبردهای مبتنی بر حکمرانی خوب به ارتقای رفاه عمومی در ابعاد مختلف آن کمک کند.

واژگان کلیدی: رفاه عمومی، حکمرانی خوب، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

* نویسنده مسئول: tootian_ir@yahoo.com

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/jipas.2022.298094.1212

شاپا چاپی: ۶۲۵۶-۲۶۷۶

شاپا الکترونیک: ۲۶۷۶-۶۰۶X

مقدمه

یکی از عوامل ایجادکننده تمایز در بین کشورها وضعیت رفاه عمومی است. تأمین رفاه عمومی از دیرباز به‌عنوان یکی از ارکان امنیت ملی کشورها به‌حساب آمده و میزان توفیق دولت‌ها برای حصول هدف مذکور به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت آن‌ها تلقی می‌شود به‌نحوی که تحقق زندگی خوب جزو وظایف اصلی دولت‌ها است (Duncan, 2010). همچنین، با ظهور همه‌گیری کووید^۱ ۱۹ وضعیت سطح رفاه عمومی شروع به تغییر کرد. شاخص‌های سطح پزشکی، فناوری دیجیتال و عوامل پیش‌بینی نشده فورس‌ماژور شروع به ظهور کردند. بدیهی است که رویکرد جدیدی برای درک پیشرفت اجتماعی در شرایط جدید اقتصادی و اجتماعی لازم است (Kozlovskiy et al., 2021).

تفاوت در مدیریت دولتی کشورها و کیفیت متفاوت خدمات عمومی می‌تواند منجر به تفاوت در سطح رفاه شود. از طریق انتخاب‌های متنوع سیاست‌گذاری مانند تخصیص بودجه، قانون‌گذاری، سیاست رفاه، آموزش، سیاست مالیاتی، مسکن، حمل‌ونقل و غیره دولت‌ها نقش مهمی در ارتقا و حفاظت از سلامت و رفاه مردم دارند (Hunt, 2012). امروزه، مبانی نظری تأمین امنیت و رفاه اجتماعی نقش دولت‌ها را در جوامع دگرگون کرده است به‌گونه‌ای که بسته به میزان و چگونگی تأمین و تضمین کارکردهای آن از طریق اعمال حاکمیت انواع مختلفی از ساختارهای رژیم سیاسی را به‌وجود آورده‌اند که از دولت‌های رفاهی تا دولت‌های مبتنی بر ایده حکمرانی خوب و مشارکت همگانی را شامل می‌شود (بادینی، ۱۳۹۲). براساس نتایج پژوهش دلار^۲ و همکاران (۲۰۱۶) رابطه قوی بین کیفیت حکمرانی و رفاه وجود دارد.

حکمرانی خوب، مفهومی است که نشان از تغییر پارادایم نقش دولت‌ها و حکومت‌ها دارد. این مفهوم با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح شده است که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌کند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲).

جمهوری اسلامی ایران، به‌رغم تلاش‌های متعددی که برای ایجاد رفاه متناسب با امکانات و فرصت‌ها در مناطق مختلف و در مجموع کشور کرده است هنوز نتوانسته در رتبه‌بندی کشورها از لحاظ رفاهی جایگاه مناسب و مطلوبی کسب کند. ایران، حتی در دو منطقه منا (آفریقا و خاورمیانه) و کشورهای اسلامی هم از این حیث جایگاه برجسته‌ای نیافته است (طاهری و

1. COVID-19
2. Dollar

حسین‌زاده، ۱۳۹۸). در بررسی مؤسسه لگاتوم نیز با توجه به شاخص‌های حکمرانی و رفاه عمومی در سال ۲۰۲۰، کشور ایران در بین ۱۶۷ کشور، رتبه ۱۲۰ را به‌خود اختصاص داده است و این ناشی از وضعیت بد رفاهی در کشور نسبت به سایر کشورها است (Legatum, 2020). در کشور ما، نظام رفاه عمومی که از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اداره می‌شود بر پایه مقرراتی قانونی است که حقوقی مشخص برای افراد و تکالیفی معین برای نهادهای دولتی، عمومی و مستقل تعیین می‌کند، از یک سو فرد و خانواده را در برابر پریشانی‌های اجتماعی و اقتصاد ناشی از قطع یا کاهش درآمد که به دلایلی همچون پیری، بیکاری، بازنشستگی، از کار افتادگی، در راه ماندگی، بیماری و مرگ و ... تضمین می‌کند و از سوی دیگر می‌کوشد تا با فراهم آوردن خدماتی مانند درمان با اعطای کمک هزینه‌ها مثلاً در زمینه‌های مسکن، ازدواج و ... سطح رفاه فرد و خانواده را بالا ببرد (پارسا، ۱۳۹۹).

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی براساس الزام ماده (۵۳) قانون برنامه پنجم توسعه مبنی بر کاهش تعداد وزارتخانه‌ها در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۸ از محل ادغام سه وزارتخانه تشکیل شد. این وزارتخانه دستگاه اصلی متولی در زمینه رفاه عمومی است که در وظایف اصلی، مأموریت و اهداف بایستی به رفاه عمومی رسیدگی کند با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی در فعالیت‌های مدیریتی (دکترین، هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هدایت، سازماندهی، هماهنگی، پیاده‌سازی و اجرا، نظارت و ارزیابی) در حوزه رفاه عمومی تجارب فراوانی به‌دست آورده‌اند، اما الگویی جامع و کامل براساس این تجارب تدوین و اجرا نشده است و فقر، براساس شرایط جامعه در حال گسترش است. کیفیت حکمرانی، یکی از جنبه‌های نادیده گرفته شده در پژوهش‌های موجود عوامل تأثیرگذار بر ارتقای رفاه عمومی است از این‌رو، در پژوهش حاضر سعی بر جبران بی‌توجهی‌های گذشته در این حوزه شده است تا به ارتقای رفاه عمومی از منظری متفاوت و نگاهی کلان با رویکرد حکمرانی خوب توجه شود. نداشتن الگویی بومی، مدون و راهبردی در حوزه رفاه عمومی برای افزایش سطح رفاه مسأله و دغدغه اصلی پژوهشگر در این پژوهش است. با توجه به موارد مطرح شده سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب با محوریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به چه صورت است؟

ادبیات نظری پژوهش

بحث رفاه عمومی، به‌عنوان کانون محوری سیاست‌گذاری اجتماعی در دست توجه بسیاری از کشورها با نیت‌های مختلف بوده است که متناسب با مکاتب و ایدئولوژی خود، نظام‌ها و الگوهای

رفاهی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و گام‌های پیاده‌سازی و اجرای آن را فراهم می‌آورند (موسوی و زاهدی‌وفا، ۱۳۹۶). رفاه یک مفهوم عمومی و مدرن است. رفاه در چارچوب تمایزاتی امکان ظهور پیدا کرد که در دوره مدرن به رسمیت شناخته شد. درباره این مفهوم با رویکردها و در مکاتب مختلف بحث شده است و هریک مسیر خاصی را پیموده‌اند. به‌علاوه درباره رفاه در رشته های علوم اجتماعی از جمله اقتصاد و جامعه‌شناسی با تعاریف و مفاهیم مختلف بحث شده است (طاهری و حسین‌زاده، ۱۳۹۸).

به‌طور کلی نظریه‌های مختلف اقتصادی در راستای اولویت‌بندی بازیگران تأمین‌کننده رفاه عمومی سه دیدگاه را مطرح می‌کنند:

نخست، تئوری‌های اقتصادی دولت‌محور که ریشه در مکتب سوسیالیستی و اصول جمع-گرایانه دارد. در این تئوری‌ها نقش رفاهی دولت تأمین‌کننده حداقل رفاه در عین تحقق عدالت اجتماعی است.

دوم، تئوری‌های اقتصادی بازارمحور که ریشه در مکتب کاپیتالیستی و اصول فردگرایانه داشته و نقش رفاهی دولت تأمین‌کننده جامع رفاه عمومی ضمن افزایش کارایی و ثروت فردی اجتماعی است.

با توجه به دستاوردهای متعدد و شکست‌های بسیار این دو جریان، سومین جریان نیز پدید آمد که بر تحقق عدالت اجتماعی ضمن افزایش ثروت اجتماعی و رفاه فردی تأکید داشته و با عنوان رویکرد ترکیبی شناخته می‌شود (Bairoch, 1993). در رویکرد ترکیبی به نقش هم‌زمان دولت و بازار تأکید می‌شود. براینده تحولات نظری جدید با عنوان «تئوری ترکیبی دولت موافق بازار» شناخته می‌شود.

اولین بار در آمریکا و سپس در اروپا، به مفهوم رفاه عمومی و مفاهیم مرتبط با آن نظیر کیفیت زندگی و خوشبختی، توجه شد. مفهوم رفاه از دو جنبه کمی و عینی از یک طرف و ذهنی و کیفی از سوی دیگر بررسی شد.

پژوهش‌های پیشین

پژوهش‌هایی در ارتباط با موضوع پژوهش در داخل و خارج از کشور انجام شده است. کریم‌پور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود تأثیر حکمرانی خوب بر رفاه ملی را مطالعه کردند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که در کشورهای عضو همکاری اسلامی و عضو همکاری اقتصادی و توسعه بین حکمرانی خوب و رفاه ملی همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد؛ به‌طوری‌که شدت همبستگی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بیشتر از کشورهای عضو

سازمان همکاری اسلامی است. همچنین، دانائی فرد و باباشاهی (۱۴۰۰)، نقش سرمایه‌های انسانی در بخش دولتی بر ارتقای رفاه ملی را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که بخش دولتی با بهره‌مندی از سرمایه‌های انسانی توانمند و متمایز می‌تواند ظرفیت رقابت‌پذیری ملی را ارتقا دهد که این امر منجر به تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب خواهد شد و در نهایت زمینه برای ارتقای رفاه ملی فراهم می‌شود. نتایج پژوهش وفائی و همکاران (۱۳۹۷)، نیز نشان داد که اکثر استان‌های ایران دارای رفاه پایین‌تری نسبت به میانگین جامعه هستند و عملکرد سیاست‌گذاران در این حوزه برای توسعه متوازن رفاه مناطق مناسب نبوده است. شاخص‌های این پژوهش شامل قدرت خرید، توانایی در کسب تسهیلات زندگی، احساس سلامت، امنیت، آرامش و اطمینان بیشتر افراد جامعه بودند. خستو و یاحقی (۱۳۹۷)، نیز در پژوهش خود شاخص‌های رفاه اجتماعی در نواحی شهری را با تأکید بر رویکرد عدالت تحلیل و ارزیابی کردند. آن‌ها ۲۲ شاخص رفاه عمومی را در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و کالبدی ارائه دادند.

موسوی و زاهدی‌وفا (۱۳۹۶)، در پژوهشی ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی رفاه عمومی را براساس تحلیل محتوی آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) ارائه و تبیین کردند. در مفصل‌بندی گفتمان امام خمینی (ره)، دال مرکزی که بر مفاهیم و مقوله‌های دیگر تأثیر گذاشته تأمین عدالت در ساحت‌های مختلف است. سایر عناصر گفتمانی مرتبط با دال مرکزی رفع توأمان نیازهای مادی و معنوی عموم، تکافل اجتماعی و استفاده از ظرفیت‌های مردمی و پرهیز از دخالت‌های غیر ضرور دولت، توسعه رفاه عمومی با اجرای برنامه مالی اسلام و ابتنا بر ظرفیت‌های درونی نظام است.

کوزلووسکی^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهش خود رفاه عمومی در اوکراین را در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ و دیجیتالی شدن اقتصاد ارزیابی کردند. نتایج نشان داد که سطح رفاه عمومی در اوکراین در دوران همه‌گیری کووید ۱۹ در سطح بسیار پایین و حتی پایین‌تر از استانداردهای جهانی است. ووکلاتو^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه خود دو چارچوب متفاوت برای ارزیابی رفاه عینی و ذهنی یا شادی و همچنین ابعاد مربوط به آن‌ها را ارائه دادند. «رفاه عینی»^۳ به‌طور عمده به‌دلیل چندبعدی بودن آن یک چالش اساسی است. بنابراین، پژوهشگران بر تعیین دقیق ابعاد اندازه‌گیری عینی آن متمرکز شده‌اند. رفاه عینی شامل ابعاد سلامت، فرصت‌های شغلی، محیط زیست، امنیت، سیاست و توسعه اجتماعی-اقتصادی است. «رفاه

1. Kozlovskiy
2. Voukelatou
3. Objective well-being

ذهنی^۱ اصطلاح علمی خوشبختی، یک ارزش محوری در زندگی مردم است. درباره رفاه ذهنی نتایج نشان داد که ورزش، طبیعت و اوقات فراغت عوامل کوتاه‌مدت هستند در حالی که روابط اجتماعی با عزیزان و موفقیت‌ها عوامل تعیین‌کننده بلندمدت هستند. گروندلر^۲ و همکاران (۲۰۲۰)، نیز در مقاله خود به این نتیجه رسیدند که فرهنگ پیش‌بینی‌کننده مهمی برای دولت‌های رفاهی است. تأمین رفاه در کشورهایی با روابط خانوادگی ضعیف و نگرش‌های فردگرایانه، شیوع بالای اعتماد و تحمل و پذیرش کم قدرت توزیع نابرابر بالاتر است. بنیشو و ماتی^۳ (۲۰۲۰)، در پژوهش خود پاسخ‌گویی و دوراندیشی در مدیریت رفاه را بررسی کردند. دوراندیشی به یک ویژگی اصلی پاسخ‌گویی در حکمرانی عمومی تبدیل شده است. ارائه خدمات به‌طور فزاینده‌ای با ترکیب و لایه‌بندی رژیم‌های پاسخ‌گویی عمومی، بازار و اجتماع تعریف می‌شود که به‌عنوان ترتیبات پاسخ‌گویی ترکیبی عمل می‌کنند.

جمع‌بندی بررسی مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین نشان داد که اگرچه در پژوهش‌هایی مانند کریم‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، دانائی‌فرد و باباشاهی (۱۴۰۰) و دانائی‌فرد و همکاران (۱۳۹۱) رابطه بین حکمرانی خوب و رفاه عمومی تأیید شده است، اما تاکنون، پژوهشی درباره طراحی الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب انجام نشده و از این‌رو، در این زمینه خلاء پژوهشی وجود دارد. همچنین تاکنون، پژوهشی درباره این موضوع انجام نشده که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان متولی رفاه عمومی در کشور با بهره‌گیری از چه راهبردهایی می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای رفاه در جامعه باشد. در ضمن، در این پژوهش ابعاد رفاه عمومی براساس شرایط بومی ایران شناسایی شد که از این‌رو نیز پژوهش کاری جدید است. با توجه به خلاءهای پژوهش‌های ذکر شده هدف اصلی پژوهش حاضر طراحی الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب با محوریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است.

روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش، طراحی الگوی رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب است. پژوهش حاضر، از نظر هدف توسعه‌ای- کاربردی و در زمره پژوهش‌های آمیخته (ترکیبی) است. همان‌طور که از نام پژوهش ترکیبی پیدا است؛ این راهبرد درباره پژوهش‌هایی صادق است که در آن پژوهشگر هم داده‌های کیفی و هم داده‌های کمی را گردآوری می‌کند. شیوه‌های ترکیبی نوعی راهبرد

1. Subjective well-being
2. Grundler
3. Benish & Mattei

پژوهشی یا روش‌شناسی برای گردآوری، تحلیل و ترکیب داده‌های کمی و کیفی است که برای فهم مسائل پژوهشی در زمان انجام یک پژوهش استفاده می‌شود. همچنین، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های آمیخته اکتشافی است. در طرح‌های پژوهش آمیخته اکتشافی پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی درباره «موقعیت نامعین» است. برای این منظور، ابتدا داده‌های کیفی را گردآوری می‌کند. انجام این مرحله او را به توصیف جنبه‌های بی‌شماری از پدیده هدایت خواهد کرد. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت‌بندی فرضیه(هایی) درباره بروز پدیده مورد مطالعه فراهم می‌شود. پس از آن، در مرحله بعدی، پژوهشگر می‌تواند از طریق گردآوری داده‌های کمی فرضیه(ها) را مورد آزمون قرار دهد (بازرگان‌هرندی، ۱۳۸۷). همچنین پارادایم پژوهش از نوع تفسیری است. پژوهش تفسیری متغیرهای مستقل و وابسته را از قبل تعریف نمی‌کند ولی بر پیچیدگی کامل معنابخشی انسانی متمرکز است (دانائی‌فرد، ۱۳۸۸). این پژوهش، در دو مرحله کیفی با روش تحلیل تم و کمی با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شده است که در ادامه هریک از این مراحل به‌طور مجزا بررسی شده‌اند.

مرحله کیفی: در مرحله کیفی به‌منظور طراحی مدل پژوهش از روش تحلیل تم استفاده شد. تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌ها) موجود درون داده‌ها است. این روش در خود داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند، اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند (Braun&Clarke, 2006). در مرحله کیفی به‌منظور طراحی مدل از ۹ نفر از اساتید دانشگاهی و ۱۱ نفر از خبرگان اجرایی مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به‌عمل آمد که طول مدت هر یک از مصاحبه‌ها حدود ۴۰ تا ۱۲۰ دقیقه برای هر مصاحبه شونده بوده است. خبرگان دانشگاهی مشارکت‌کننده ضمن داشتن مدرک دکتری در رشته‌های مدیریت تحصیل کرده بودند و در زمینه رفاه مقاله یا پژوهشی انجام داده بودند. خبرگان اجرایی نیز ضمن داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد دارای حداقل ۱۰ سال سابقه مدیریت در وزارت تعاون، رفاه و تامین اجتماعی بودند. روش نمونه‌گیری در مرحله کیفی از نوع هدفمند بود و مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه پیدا کرد که داده‌ها به حد اشباع برسد. در زمان انجام مصاحبه‌ها پژوهشگر، در شیوه مطرح کردن سؤال‌ها دقت زیادی کرده است تا کیفیت و اعتبار موقعیت مصاحبه خدشه‌دار نشود. سؤالات اصلی پروتکل مصاحبه عبارت بودند از: ۱- نظر شما درباره رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چیست؟ ۲- رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی چه ضعف‌ها و چه قوت‌هایی دارد؟

۳- به نظر شما چه شرایط و عواملی در تقویت رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب مؤثر است؟

همچنین، به منظور تأیید روایی نتایج در مرحله کیفی پژوهش از دو روش مثلثی و بررسی به-وسیله اعضا استفاده شد. براساس دیدگاه مریام^۱ (۲۰۰۹)، برای روایی درونی بخش کیفی این پژوهش از روش‌های مثلثی و بررسی‌های اعضا استفاده شد. در روش مثلثی^۲ چند منبع داده یا چند روش برای تأیید داده‌های در حال ظهور به کار گرفته می‌شود. همچنین، در روش بررسی به-وسیله اعضا^۳ از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا به پرسش میزان قابل قبول بودن نتایج پاسخ دهند (Merriam, 2009). در این پژوهش برای تأیید روایی نتایج مرحله کیفی از ۴ نفر از اساتید دانشگاهی و ۲ نفر از خبرگان اجرایی درباره نتایج نظرخواهی به عمل آمد و نتایج با انجام اصلاحاتی از سوی آن‌ها تأیید شد.

مرحله کمی: در مرحله کمی، به منظور اعتبارسنجی مدل طراحی شده در مرحله کیفی از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار smart PLS استفاده شد. قبل از انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری کفایت حجم نمونه با بهره‌گیری از شاخص KMO و آزمون بارتلت و همچنین نرمال بودن داده‌ها با آزمون کولکوگروف-اسمیرنوف آزمون شد و نتایج نشان داد که حجم نمونه کافی است و داده‌ها برای انجام محاسبات مدل‌سازی معادلات ساختاری مناسب است. نمونه آماری در این مرحله ۲۱۶ نفر از مدیران و متخصصان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بودند. در مرحله کمی، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد و روش نمونه‌گیری نیز از نوع تصادفی بود. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه پژوهشگرساخته استفاده شد که روایی آن از سوی ۴ نفر از خبرگان تأیید شد. همچنین، پایایی پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸۵ به دست آمده که مقداری مناسب است.

خلاصه مبنای روش‌شناسی مراحل پژوهش: الف- بخش کیفی: هدف پژوهش توسعه-ای، نوع داده‌های پژوهش کیفی، استراتژی پژوهش تحلیل تم، رویکرد پژوهش استقرایی. ب- در بخش کمی: هدف پژوهش کاربردی، نوع داده‌های پژوهش کمی، استراتژی پژوهش پیمایشی و رویکرد پژوهش قیاسی است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی که از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته حاصل شد و همچنین به منظور طراحی الگوی پژوهش از روش تحلیل تم استفاده شد. گام‌های

1. Merriam
2. Triangulation
3. Member checks

طی شده به منظور طراحی مدل براساس دیدگاه بروان و کلارک^۱ (۲۰۰۶) با روش تحلیل تم به صورت زیر است.

گام اول - آشنایی با داده‌ها: در این مرحله پژوهشگر مصاحبه‌های انجام شده را بررسی کرد. محتوای مصاحبه‌ها از سوی پژوهشگر دو بار گوش داده شد تا نکته‌ای از قلم نیفتد. پس از یادداشت‌برداری از محتوای مصاحبه‌ها پژوهشگر یادداشت‌ها و محتوای آن‌ها را به‌طور دقیق چندباره بررسی و بازخوانی کرد.

گام دوم - ایجاد کدهای اولیه: در این مرحله، پژوهشگر پس از بررسی دقیق محتوای مصاحبه‌ها کدهای اولیه را شناسایی کرد. کدها یک ویژگی داده‌ها را معرفی می‌کنند که به‌نظر تحلیل‌گر جالب می‌رسد. داده‌های کدگذاری شده از واحدهای تحلیل (تم‌ها) متفاوت هستند (Braun & Clarke, 2006). روش کار به این شکل بود که پژوهشگر برای محتوای بیان شده از سوی مصاحبه‌شوندگان که به موضوع خاصی اشاره داشت یک کد استخراج کرد. متن مصاحبه و کدهای استخراج شده برای اجزای تشکیل شده متغیر رفاه و همچنین راهبردهای ارتقا از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۱: متن مصاحبه و کدهای استخراج شده برای بعد رفاه در جامعه

ردیف	متن مصاحبه	کد (شاخص)
۱	در چند سال گذشته، بیکاری در جامعه به‌ویژه در بین قشر تحصیل کرده افزایش یافته است.	بیکاری
۲	تورم و مشکلات اقتصادی فاصله بین فقیر و غنی را در جامعه زیاد کرده و طبقه متوسط در حال از بین رفتن است.	ضریب جینی
۳	رشد تولید ناخالص داخلی با وجود تمام فشارها و تحریم‌ها خیلی نامطلوب نیست.	تولید ناخالص داخلی
۴	آن‌قدر نرخ تورم در چند سال گذشته بالا بوده است که درآمد افراد کفاف گذران زندگی را نمی‌دهد.	درآمد سرانه
۵	با افزایش نرخ‌ها بسیاری از مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و در تأمین نیاز روزمره خود با مشکل روبه‌رو هستند.	شاخص فقر

براساس یافته‌ها، ۵۶ کد برای متغیر رفاه شناسایی شد. این کدها حاصل بررسی متن مصاحبه‌ها و شناسایی کدهای مربوط به آن‌ها بود. البته، در خیلی از موارد مطالب بیان شده از سوی مصاحبه‌شوندگان به مطالب مشترکی اشاره می‌کردند که کد مربوط به آن‌ها در مصاحبه‌ها

1. Braun & Clarke

وجود داشت. همچنین، علاوه بر شناسایی کدهای مربوط به متغیر رفاه در ادامه راهبردهایی که می‌تواند از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انجام شود در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: متن مصاحبه و کدهای استخراج شده برای بعد رفاه در جامعه

ردیف	متن مصاحبه	شاخص
۱	مدیران وزارت به‌طور دائم از کمبود منابع مالی برای اجرای برنامه‌ها صحبت می‌کنند. مشخص نیست دخل و خرج‌ها به چه شکل است.	شفافیت منابع مالی در دسترس
۲	این مشخص نیست که چرا یک برنامه را در اولویت قرار می‌دهند و به برنامه دیگر مدت‌ها بودجه‌ای تعلق نمی‌گیرد.	شفافیت در مبنا و معیار اولویت در تخصیص منابع مالی
۳	با توجه به مشکلات رفاهی مردم و تعدد برنامه‌های تدوین شده باید مشخص شود که هر برنامه بر چه مبنایی و چه مقدار بودجه دریافت کرده است.	شفافیت میزان تخصیص منابع مالی به برنامه‌های رفاه
۴	مردم و سایر مخاطبان وزارت کار با توجه به اینکه مشکلات زیادی در جامعه وجود دارد حساسیت ویژه‌ای روی هزینه کرد بودجه‌ها دارند.	گزارش‌های مالی مستمر
۵	مردم نسبت به تخلفات مالی در بخش دولتی حساسیت دارند و بدبینی زیادی نسبت به عملکرد مدیران وجود دارد.	حسابرسی‌های دوره‌ای

مرحله ۳- جستجوی تم‌ها: در این مرحله، کدهایی که از مرحله قبل استخراج بود و از نظر محتوایی با هم اشتراک داشتند پژوهشگر ادغام کرده و تم‌ها را شکل داد.

مرحله ۴- بازبینی تم‌ها: در این مرحله، پژوهشگر مجدد تم‌ها را بررسی کرد و نتایج کدگذاری را با نتایج شناسایی تم‌ها انطباق داد. همچنین، نقشه تم‌ها بررسی شد که نشان داد ساختاری قابل قبول دارد.

مرحله ۵- تعریف و نام‌گذاری تم‌ها: پژوهشگر پس از نهایی شدن نقشه تم‌ها و دسته‌بندی انجام شده نسبت به نام‌گذاری تم‌ها اقدام کرد.

نتایج حاصل از تحلیل تم مربوط به متغیر رفاه و راهبردهای ارتقای رفاه از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌صورت زیر است.

جدول ۳: نتایج کدگذاری متغیر رفاه

مؤلفه	شاخص
رفاه اقتصادی	بیکاری، ضریب جینی، تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، شاخص فقر، امنیت توری، وضعیت تجارت خارجی، بدهی خارجی، حجم سرمایه‌گذاری انجام گرفته، آزادی اقتصادی (باز بودن اقتصاد) و قدرت خرید مردم
رفاه فرهنگی	دسترسی به آموزش، تعداد پژوهشگران، سطح تحصیلات، نرخ باسوادی، میزان مطالعه کتاب، سطح فعالیت مطبوعات، سطح تولید محصولات فرهنگی (فیلم، موسیقی و ...)، شرکت مردم در فعالیتهای فرهنگی، میزان حاکمیت دین و اصول دینی و سطح فساد
رفاه سلامت	امید به زندگی، تعذیه سالم، خدمات بیمه درمان، دسترسی به خدمات بهداشتی، مرگ‌ومیر کودکان، سرانه مراکز ارائه‌دهنده خدمات سلامت، سرانه مراکز ورزشی، سهم هزینه‌های سلامت در سید خانوار، تحول نظام سلامت، آموزش و پژوهش - های سلامت، دسترسی به خدمات برای بیماران خاص و سالمندان و بیماری‌های روانی
رفاه اجتماعی	تساوی زنان، آزادی فردی، وضعیت بزهکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی، امنیت، وضعیت پایداری خانواده‌ها، نرخ ازدواج و طلاق، دسترسی به خدمات عمومی، رشد جمعیت، حفاظت از محیط زیست، پوشش بیمه تأمین اجتماعی، مالکیت مسکن و تأمین معیشت پس از بازنشستگی
خوشبختی (نشاط)	عزت نفس در جامعه، امید به آینده، اعتماد عمومی، شادی فردی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نشاط معنوی، عدالت اجتماعی، هویت محلی و ملی، مشارکت در شبکه‌های اجتماعی و آرامش روانی

همان گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود متغیر رفاه از ۵ مؤلفه رفاه اقتصادی، رفاه اجتماعی، رفاه فرهنگی، رفاه سلامت و خوشبختی (نشاط) تشکیل شده است. یک جامعه که از نظر شاخص رفاه وضعیت مطلوبی دارد باید در زمینه این ۵ مؤلفه وضعیت مطلوبی داشته باشد. همچنین، در جدول ۴، راهبردهایی که از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به منظور ارتقای سطح رفاه جامعه می‌تواند به کار گرفته شود پس از شناسایی تم‌های اصلی و فرعی ارائه شده است. همان گونه که در جدول ملاحظه می‌شود ۹ بعد و ۲۷ مؤلفه برای راهبردهای ارتقای رفاه از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پس از مرحله استخراج تم‌ها شناسایی شده است.

جدول ۴: نتایج کدگذاری راهبردهای ارتقای رفاه از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

شخص (کد)	راهبرد فرعی	راهبرد اصلی
شفافیت منابع مالی در دسترس، شفافیت در مینا و معیار اولویت در تخصیص منابع مالی، شفافیت میزان تخصیص منابع مالی به برنامه‌های رفاه، گزارش‌های مالی مستمر، حسابرسی‌های دوره‌ای و آشکارسازی مالی	شفافیت مالی	شفافیت
مشخص بودن تصمیم‌گیرندگان، شفافیت فرایند تصمیم‌گیری، شفافیت اطلاعات استفاده شده در تصمیمات، شفافیت منابع اطلاعات، شفافیت اهداف تصمیمات و شفافیت جامعه هدف تصمیمات	شفافیت در تصمیمات داخلی	
شفافیت مسئولیت‌ها نسبت به جامعه، شفافیت مسئولیت‌های زیست‌محیطی، شفافیت منافع متقابل با ذینفعان بیرونی، شفافیت قراردادهای و تفاهم‌نامه‌ها و شفافیت مبادلات مالی با ذینفعان بیرونی	شفافیت در روابط خارجی	
کاهش تمرکز در ساختار سازمانی، کاهش رسمیت و ارتقای انعطاف ساختار سازمانی، کاهش ریخت‌وپاش‌های هزینه‌زا، کاهش هزینه‌های اداری، کاهش قیمت تمام شده ارائه خدمات، کوچک کردن تشکیلات اداری، بهره‌گیری از برون‌سپاری و خدمات مشاوران، کاهش بوروکراسی سازمانی، حذف سلسله مراتب زائد و حرکت به سمت ساختارهای افقی	کارایی تشکیلات اداری	کارایی
جذب نیروهای شایسته و نخبه، آموزش و توسعه دانش و مهارت افراد، تشویق افراد به دانش‌اندوزی، احترام و تکریم کارکنان، مقابله با تعارضات و تخلفات افراد، تقویت شبکه‌ها و کانال‌های ارتباطی بین افراد سازمان، شایسته‌سالاری و تأمین نیازهای منابع انسانی	کارایی منابع انسانی	
حذف فرایندهای زائد و بدون ارزش افزوده سازمانی، طراحی مجدد فرایندها متناسب با نیازهای جدید، مشتری‌مداری در طراحی فرایندها، هدف‌گذاری فرایندها، حذف فعالیت‌های بدون ارزش افزوده در فرایندها، تعیین مسئولیت‌ها و نقش‌ها در فرایند و بهبود مستمر	اصلاح فرایندها	
شناسایی انتظارات ذینفعان مختلف، ترسیم اهداف مشترک، شناسایی مسائل و دغدغه‌های مشترک ذینفعان، بسترسازی تشکیلاتی برای مشارکت ذینفعان، به اشتراک‌گذاری ظرفیت‌ها، مدیریت تعارضات، بهره‌گیری از ظرفیت NGOها و نهادهای مدنی و بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی و سایر بخش‌های درگیر	بسترسازی مشارکت	مشارکت
ارتقای اعتماد بین ذینفعان مختلف، ارتقای آگاهی و دانش ذینفعان، ایجاد بستر ارتباطی بین ذینفعان، تقویت انسجام اجتماعی، افزایش تعاملات و ارتباطات اجتماعی، توسعه شبکه‌های اجتماعی بین ذینفعان، ارتقای حس نوع‌دوستی و انسان‌دوستی، تأکید بر تحقق منافع جمعی و پایبندی به هنجارها	تقویت سرمایه اجتماعی	

جدول ۴: نتایج کدگذاری راهبردهای ارتقای رفاه از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

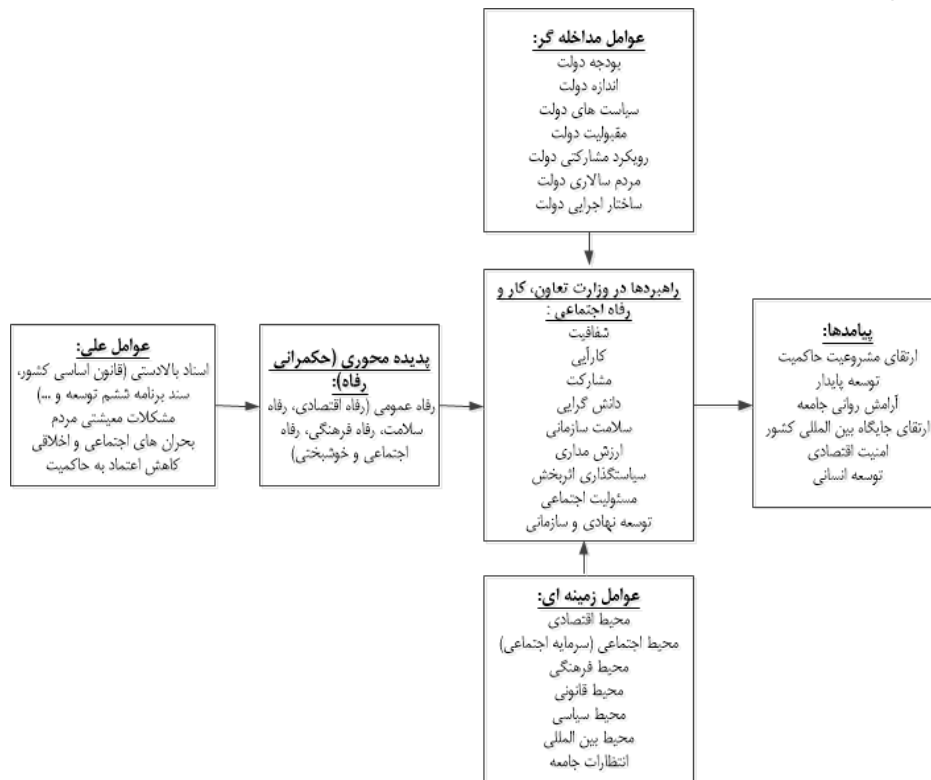
شخص (کد)	راهبرد فرعی	راهبرد اصلی
نظرخواهی از ذینفعان، بها دادن به مسائل و دغدغه‌های مردم، ایجاد کانال- های ارتباطی، توجه به خواسته‌ها و اولویت‌های ذینفعان، افزایش آزادی بیان و گسترش تعامل مبتنی بر احترام	ارتقای دموکراسی	مشارکت
جذب افراد نخبه و توانمند، ارتقای دانش کارکنان فعلی، اکتساب دانش از منابع بیرونی، ارتباط با مراکز دانش‌بنیان و دانشگاه‌ها، توسعه ارتباط با مؤسسات تخصصی، ارتباط با نهادهای بین‌المللی و سایر کشورها، توسعه سیستم‌های اطلاعاتی و تقویت ظرفیت جذب دانش	حفظ و توسعه منابع دانشی	دانش‌گرایی
ایجاد بستر ارتباطی برای انتقال دانش بین افراد، تشویق افراد ماهر و باتجربه به تسهیم دانش، ایجاد بستر مجازی برای تسهیم دانش، مدیریت تیمی، مدیریت مشارکتی، بهبود جو سازمانی و مبادله دانش بین افراد	تسهیم دانش	دانش‌گرایی
استقبال از ایده‌ها و نظرات خلاقانه، نظام پیشنهادها، حمایت مدیریت از کارکنان خلاق، انگیزش کارکنان، اجرای ایده‌های مطلوب و مدیریت تغییر	خلق دانش	دانش‌گرایی
حمایت از اجرای قانون، وضوح و عدم ابهام قوانین، واقع‌گرایی در تدوین قانون، بروزرسانی قوانین، بستن راه‌گریز از قوانین، صراحت متن قانون و مقابله با تبعیض در اجرای قانون	قانون‌مداری	سلامت سازمانی
حاکم کردن ضوابط به‌جای روابط، مقابله با گروه‌های قدرت، مقابله با خویشاوندمداری، مقابله با زد و بند و بده-بستان، تقویت حراست و بازرسی، شناسایی ضعف‌های سیستمی و رفع آن‌ها و پرهیز مسامحه در مقابل افراد فاسد	مقابله با فساد	سلامت سازمانی
حمایت مدیریت از اصول اخلاقی، اولویت دادن به رعایت اخلاق در همه شئون، نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در فرهنگ سازمانی، رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای و رعایت اصول اخلاقی و احترام به مشتریان	اخلاق‌مداری	ارزش‌مداری
مقابله با هرگونه تبعیض‌گرایی، صیانت از نیروی کار، رعایت عدالت در تنظیم روابط بین نیروی کار و کارفرما، رعایت عدالت در پوشش خدمات تأمین اجتماعی و رعایت عدالت در اجرای قوانین نسبت به تمام احاد جامعه	عدالت‌محوری	ارزش‌مداری
رعایت اصول و احکام اسلامی و دینی، عدم پیروی از اهداف صرفاً اقتصادی، تأکید بر تقوا و خداترسی، تأکید بر پاکدستی و درستی در بین کارکنان، صداقت در رفتار و عمل مدیران و تقویت فرهنگ دینی	دین‌محوری (معنویت)	ارزش‌مداری

جدول ۴: نتایج کدگذاری راهبردهای ارتقای رفاه از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

شخص (کد)	راهبرد فرعی	راهبرد اصلی
	واقع‌گرایی	سیاست‌گذاری اثربخش
پایش تغییرات محیطی از جمله محیط اقتصادی، پایش شاخص‌های محیطی از جمله شرایط اقتصادی، بهره‌گیری از داده‌ها و اطلاعات موثق، بهره‌گیری از روش‌های علمی در تحلیل، تعیین اولویت‌ها براساس واقعیت (به‌جای نظرات شخصی)، تمرکز بر داده‌ها و اطلاعات میدانی، بهره‌گیری از نظرات مجریان و پرهیز از رویکرد بالا به پایین در تدوین سیاست	تمرکز بر جامعه هدف	
توجه به دغدغه‌های جوامع هدف از جمله نیروی کار و کارفرمایان، آگاهی از انتظارات جوامع هدف، تعدیل انتظارات غیر واقعی، ایجاد تفاهم بین فعالان جوامع هدف و تأمین منافع طرفین سیاست‌ها (استراتژی برد-برد)	کیفیت سیاست	
هدف‌گذاری برای سیاست‌ها، شفافیت و واضح بودن سیاست‌ها، نگارش مناسب سیاست‌ها، پشتوانه علمی سیاست‌ها و انسجام و پیوستگی سیاست‌ها	جهت‌گیری استراتژیک	
مقابله با تهدیدات و تکیه بر ارزش‌های مشترک	مقابله با آسیب‌های اجتماعی	مسئولیت اجتماعی
توجه به خط فقر، بازپروری افراد آسیب‌دیده، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، مقابله با مفاسد اخلاقی، مقابله با بزهکاری، توجه به مشکلات معیشتی، پیش‌گیری از آسیب‌ها و اقدامات داوطلبانه و عام‌المنفعه	پیگیری منافع جامعه	
توجه به اهداف کلان جامعه، مشارکت در تحقق اهداف جامعه، تعهد به تعالی جامعه، تعامل با اقشار مختلف جامعه، توجه به خواسته‌های اقلیت‌ها، رعایت حقوق شهروندان و کمک به نهادهای اجتماعی و مدنی	حمایت از اقشار خاص	
حمایت از افراد متأهل، حمایت از فرزندآوری، توجه به اشتغال جوانان، توجه به معلولان و بیماران، حمایت از مناطق کمتر توسعه‌یافته، حمایت از روستاییان و حمایت از مشاغل سخت و زیان‌آور	بازآفرینی بخش تعاون	توسعه نهادی و سازمانی
بازتعریف اهداف بخش تعاون، بازتعریف نقش تعاونی‌ها، ساماندهی تعاونی‌ها، تغییر ساختار تعاونی‌ها، هدایت تعاونی‌ها به سمت اولویت‌های جامعه و توسعه بخش تعاونی الکترونیک	تحول سازمان تأمین اجتماعی	
بازسازی ساختار مالی، مدیریت علمی، اصلاح ساختار اجرایی، بازتعریف اهداف، سودآوری منصفانه، پایداری عملکرد، حمایت از بخش تولید و تأمین منافع توأمان نیروی کار و کارفرما	توسعه نهادهای اجتماعی و مردم‌نهاد	
حمایت از تشکیل نهادهای اجتماعی و مردم‌نهاد، بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای اجتماعی و مردم‌نهاد، هم‌فکری با نهادهای اجتماعی و مردم‌نهاد و توسعه توانمندی‌های نهادهای اجتماعی و مردم‌نهاد		

مدل پژوهش

مدل پژوهش براساس نتایج حاصل از تحلیل تم و نظرخواهی از خبرگان طراحی شد. در مدل پژوهش علاوه بر راهبردها و ابعاد متغیر رفاه، عوامل علی، عوامل مداخله‌گر، عوامل زمینه و پیامدهای حاصل از حکمرانی رفاه ارائه شده که در مصاحبه‌ها به آن‌ها اشاره شده بود و در شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل ۱: مدل حکمرانی رفاه با محوریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

اعتبارسنجی مدل پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش مدل سازی معادلات ساختاری بر پایه روش حداقل مربعات جزئی (PLS) برای آزمون مدل حکمرانی رفاه استفاده شد. بدین منظور از نرم افزار Smart PLS استفاده شد. در ابتدا برای اعتبارسنجی مدل باید از کفایت نمونه^۱ اطمینان حاصل کرد که ۲۱۵ نفر از

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

مدیران و خبرگان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بودند. روش‌های متعددی برای بررسی کفایت حجم نمونه وجود دارد که از جمله آن‌ها شاخص KMO است که مقدار آن همواره بین ۰ تا ۱ در نوسان است. از سوی دیگر، برای اطمینان از مناسب بودن داده‌ها مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی‌هایی که پایه تحلیل قرار می‌گیرد در جامعه برابر با صفر نیست از آزمون بارتلت^۱ (t) استفاده شد. نتایج خروجی محاسبه شاخص KMO و آزمون بارتلت در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج محاسبه شاخص KMO و آزمون بارتلت

شاخص	KMO	بارتلت	Sig	درجه آزادی	نتیجه آزمون
مقدار	۰/۸۴۳	۳۹۲۱۰/۷۷	۰/۰۰۰	۴۸۸۵	تأیید

با توجه به جدول فوق مقدار شاخص KMO و همچنین مقدار آماره بارتلت^۲ نیز در تحلیل عاملی به ترتیب برابر با ۰/۸۴۳ و ۰/۰۰۰ است که نشان‌دهنده کفایت نمونه‌ها است. پس از تأیید کفایت حجم نمونه باید پایایی و روایی بررسی شود. آلفای کرونباخ، معیاری کلاسیک برای ارزیابی پایایی و سنج‌های مناسب برای بررسی پایداری درونی (سازگاری درونی) است. مقدار آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷، بیانگر پایایی قابل قبول است. از آنجا که آلفای کرونباخ یک روش سنتی برای تعیین پایایی سازه‌ها است معیار مدرن‌تری نسبت به آلفا به نام پایایی ترکیبی به کار می‌رود. این معیار را ورتس^۳ و همکاران (۱۹۷۴) معرفی کردند و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سؤالاتشان با یکدیگر محاسبه می‌شود (همبستگی سؤالات یک متغیر در مدل). با توجه به جدول ۶ مقدار پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ برای همه متغیرها تأیید شد زیرا بزرگ‌تر از ۰/۷ هستند. همچنین، برای بررسی روایی همگرا از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج شده) استفاده شد که نشان‌دهنده میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود است و هرچه این همبستگی بیشتر باشد برازش نیز بهتر است. فورنل و لارکر^۴ (۱۹۸۱) معیار AVE را برای سنجش روایی همگرا ارائه کردند و مقدار بحرانی برای آن را مقدار ۰/۵ دانستند. مقادیر محاسبه شده AVE همگی بالای ۰/۵ است و نشان‌دهنده این است که روایی همگرای متغیرهای پژوهش مناسب است.

1. Bartlett Test
2. Bartlett's Test of Sphericity Sig
3. Werts
4. Fornell & Larcker

جدول ۶: مقادیر آلفای کرونیخ، پایایی ترکیبی و AVE

متغیر	آلفای کرونیخ	پایایی ترکیبی	AVE
عوامل علی	۰/۸۸	۰/۹۱	۰/۷۰
حکمرانی رفاہ	۰/۸۶	۰/۸۹	۰/۷۳
راہبردها	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۶۹
عوامل مداخله‌گر	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۶۷
عوامل زمینہ‌ای	۰/۷۹	۰/۸۱	۰/۶۵
پیامدها	۰/۸۰	۰/۸۴	۰/۶۹

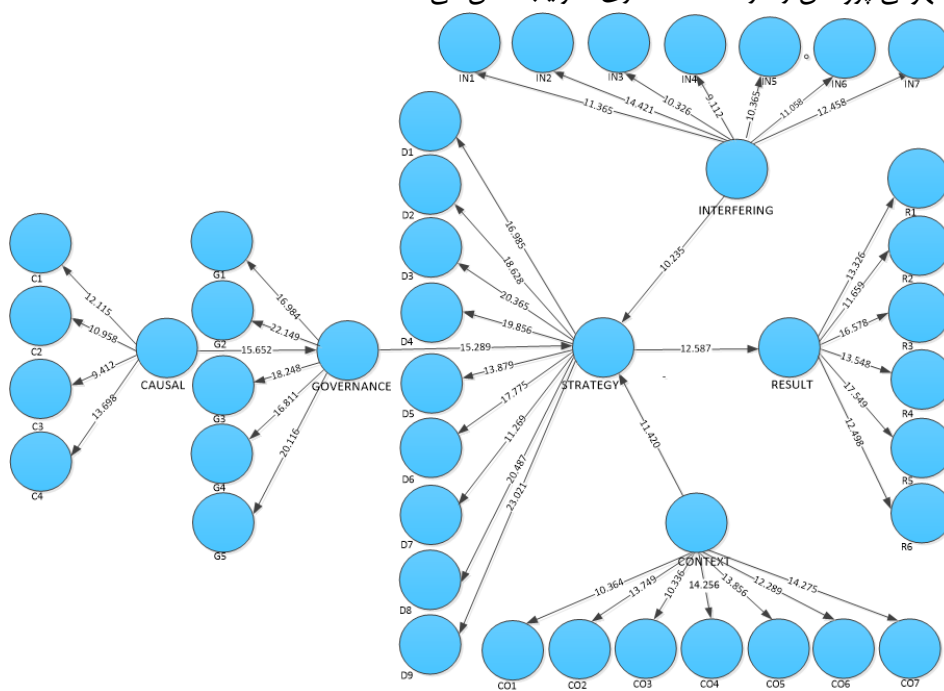
روایی واگرا سومین معیار سنجش برازش مدل‌های ساختاری است. به‌زعم فورنل و لارکر، روایی واگرا وقتی قابل قبول است که میزان میانگین واریانس استخراج شده برای هر سازه بیش از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل پژوهش باشد. با توجه به جدول ۷ می‌توان گفت که روایی واگرا زمانی در حد قابل قبولی است که جذر میانگین واریانس استخراج شده (\sqrt{AVE}) برای هر متغیر بیشتر از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرها باشد. بنابراین، روایی واگرای متغیرهای پرسشنامه پژوهش تأیید شده است.

جدول ۷: محاسبات مربوط به روایی واگرا

متغیر	علی	حکمرانی	راہبردها	مداخله‌گر	زمینہ‌ای	پیامدها
عوامل علی	۰/۷۹۱					
حکمرانی رفاہ	۰/۳۱۵	۰/۸۱۵				
راہبردها	۰/۲۴۸	۰/۳۱۶	۰/۷۷۸			
عوامل مداخله‌گر	۰/۳۴۶	۰/۳۱۵	۰/۲۹۵	۰/۷۶۹		
عوامل زمینہ‌ای	۰/۳۲۰	۰/۳۲۵	۰/۲۸۶	۰/۴۱۲	۰/۷۵۵	
پیامدها	۰/۳۸۵	۰/۳۹۰	۰/۴۱۹	۰/۲۸۰	۰/۳۱۲	۰/۷۷۱

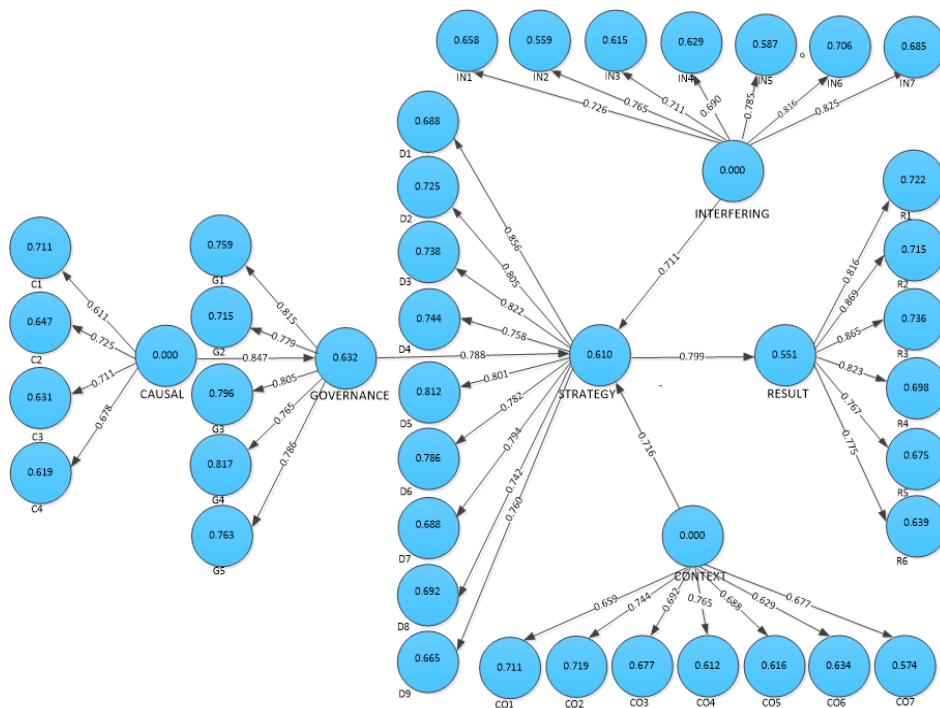
همچنین، بخش ساختاری مدل برخلاف مدل‌های اندازه‌گیری به پرسش‌ها و متغیرهای آشکار نیازی ندارد و تنها به متغیرهای پنهان و روابط میان آن‌ها توجه می‌شود. در این پژوهش، برازش مدل ساختاری با استفاده از معیارهای ضریب تعیین (R^2)، معیار Q^2 ، GOF و ضرایب معناداری انجام گرفت.

برای سنجش رابطه بین سازه‌ها در مدل‌های معادلات ساختاری اعداد معناداری t بررسی می‌شود. اگر مقدار آماره محاسبه شده برای t خارج از بازه $-۱/۹۶$ تا $+۱/۹۶$ قرار بگیرد در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار خواهد بود و اگر مقدار آماره t درون این بازه قرار بگیرد در نتیجه ضریب مسیر برآورد شده معنادار نبوده و فرضیه متناسب با آن رد خواهد شد. شکل شماره ۲ مدل مفهومی پژوهش را در حالت معناداری ضرایب نشان می‌دهد.



شکل ۲: مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب معناداری (شماره متغیرها به ترتیب مدل پژوهش است)

مطابق با اطلاعات ارائه شده در شکل شماره ۲، تمام روابط تدوین شده در مدل مفهومی پژوهش تأیید شد. زیرا مقدار آماره t که برای آن‌ها گزارش شده است بیشتر از مقدار بحرانی $۱/۹۶$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد است. در ضمن، شکل ۳ مدل مفهومی پژوهش را در حال تخمین ضرایب استاندارد نشان می‌دهد. در این شکل شدت تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است. در درون یک مدل معادلات ساختاری هر اثر مستقیم رابطه‌ای را میان یک متغیر وابسته و متغیر مستقل مشخص و بیان می‌کند. اگرچه یک متغیر وابسته در یک اثر مستقیم دیگر می‌تواند متغیر مستقل باشد و برعکس.



شکل ۳: مدل ساختاری پژوهش در حالت استاندارد

جدول روابط بین اجزای مدل را نمایش داده است. همان گونه که ملاحظه می شود کلیه ضرایب مسیر محاسبه شده معنادار هستند و بنابراین، روابط تعریف شده در مدل پژوهش تأیید شدند.

جدول ۸: نتایج تحلیل مسیر

ردیف	مسیر	ضریب مسیر	t-Value	نتیجه
۱	عوامل علی	۰/۸۴۷	۱۵/۶۵۲	تأیید
۲	حکمرانی رفاه	۰/۷۸۸	۱۵/۲۸۹	تأیید
۳	عوامل زمینه‌ای	۰/۷۱۶	۱۱/۴۲۰	تأیید
۴	مداخله‌گر	۰/۷۱۱	۱۰/۲۳۵	تأیید
۵	راهبردها	۰/۷۹۹	۱۲/۵۸۷	تأیید

همچنین، ضریب تعیین (R^2) معیاری است که نشان‌دهنده میزان تغییرات در هریک از متغیرهای وابسته مدل است که به‌وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. مقدار R^2 تنها برای متغیرهای درون‌زای مدل محاسبه می‌شود. هرچه مقدار R^2 سازه‌های درون‌زای مدل بیشتر باشد نشان از برازش بهتر مدل خواهد بود. چین (۱۹۹۸) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به‌وسیله معیار ضریب تعیین تعریف کرده است. مقدار R^2 برای حکمرانی رفاه ۰/۶۳۲، برای راهبردها ۰/۶۱۰ و برای متغیر پیامدها ۰/۵۵۱ محاسبه شد که مقادیری قابل قبول و مناسبی هستند. در ضمن، شاخص Q^2 را استون و گیزر^۱ (۱۹۷۵) معرفی کردند که این شاخص قدرت پیش‌بینی مدل را نشان می‌دهد. از دیدگاه آن‌ها، مدلی که دارای برازش بخش ساختاری مناسبی هستند باید قابلیت پیش‌بینی شاخص‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشد. در صورتی که مقدار Q^2 درباره یک سازه درون‌زا صفر یا کمتر از صفر باشد نشان می‌دهد که روابط بین سازه‌های دیگر مدل و آن سازه درون‌زا به‌خوبی تبیین نشده است و مدل نیاز به اصلاح دارد. هنسler^۲ و همکاران (۲۰۰۹) درباره شدت قدرت پیش‌بینی سازه‌های درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را مشخص کردند. معیار Q^2 برای متغیر حکمران رفاه مقدار ۰/۳۰، راهبردها مقدار ۰/۳۱ و پیامدها مقدار ۰/۲۸ محاسبه شد که مقادیر مناسبی هستند. درنهایت، معیار GOF نیز مربوط به برازش کلی مدل ساختاری است؛ بدین معنی که با این معیار پژوهشگر می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل پژوهش برازش کلی را نیز کنترل کند. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۵ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF بیان شده‌اند که حصول عدد ۰/۳۳ برای این مدل نشان از برازش مناسب مدل پژوهش دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

رفاه عمومی، یکی از مسائل مهم در مدیریت دولت‌ها است و مشروعیت دولت‌ها تا حدودی به توانمندی آن‌ها در ارتقای سطح رفاه در جامعه بستگی دارد. در چند سال گذشته، سطح رفاه مردم در جامعه کاهش پیدا کرده است که علاوه بر مسائل کلان، بیماری کرونا نیز باعث تشدید آن شده است. از این‌رو، ضرورت دارد که به‌منظور ارتقای سطح رفاه در جامعه الگویی ارائه شود. پژوهش حاضر، محور خود را به‌منظور ارتقای سطح رفاه در جامعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قرار داد و بر مبنای الگوی حکمرانی خوب، الگوی حکمرانی رفاه را توسعه داد. الگوی

1. Stone & Geisser
2. Hensler

پژوهش حاضر، دارای یک ساختار نظام‌مند و جامع است که می‌تواند مبنای تصمیمات سیاست-گذاران قرار بگیرد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، ۵ بعد رفاه در جامعه شناسایی شد که شامل رفاه اقتصادی، فرهنگی، سلامت، اجتماعی و خوشبختی و نشاط است. در این پژوهش، به ابعاد رفاه عمومی شناسایی شده در سایر پژوهش‌ها توجه شده است، اما ضمن ایجاد یک تفکیک مناسب بین ابعاد رفاه عمومی، در بین شاخص‌ها، عوامل بومی گنجانده شده است. مثلاً در بعد فرهنگی، شاخص "حاکمیت دین و اصول دینی" یا در بعد خوشبختی، شاخص "نشاط معنوی" نمونه‌هایی از وجود شاخص‌های بومی در الگوی پژوهش است. الگوی ارائه شده در پژوهش حاضر، با سایر الگوهای اندازه‌گیری رفاه عمومی مانند پژوهش خستو و همکاران (۱۳۹۷)، رفیعی و همکاران (۱۳۹۳) و مک‌کریا^۱ و همکاران (۲۰۱۵) سازگار است و آن‌ها را پوشش می‌دهد. همچنین، الگوی پژوهش حاضر، دو بعد "رفاه عینی" و "رفاه ذهنی" ارائه شده و کلاتو و همکاران (۲۰۲۱) را پوشش می‌دهد و ابعاد اقتصادی، سلامت و اجتماعی بیشتر با "رفاه عینی" و ابعاد فرهنگی و خوشبختی با "رفاه ذهنی" سازگاری دارد. همچنین، متغیرهای مطرح شده از سوی گروندلر و همکاران (۲۰۲۰) در ابعاد اجتماعی و فرهنگی الگوی پژوهش پوشش داده شده است و با آن سازگاری دارد. در مجموع می‌توان گفت الگوی پژوهش علاوه بر اینکه بر پایه الگوهای موجود در زمینه رفاه عمومی بنا شده است و با آن‌ها سازگاری دارد نسبت به الگوهای موجود جامع‌تر و عملیاتی‌تر است.

همچنین، در پژوهش حاضر، راهبردهای ارتقای رفاه عمومی از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ارائه شده است. در این پژوهش، راهبردهای شفافیت، کارایی، مشارکت، دانش-گرایی، سلامت سازمانی، ارزش‌مداری، سیاست‌گذاری اثربخش، مسئولیت اجتماعی و توسعه نهادی و سازمانی برای رفاه عمومی شناسایی شدند. راهبردهای شناسایی شده جنبه‌های مختلف مأموریت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به‌عنوان متولی رفاه عمومی جامعه پوشش می‌دهد و از آنجا که تاکنون شناسایی راهبردها نوآورانه و جدید است نتایج حاصل شده قابل مقایسه با نتایج دیگر پژوهش‌ها نیست. البته، با توجه به اینکه خبرگان مشارکت‌کننده در پژوهش هم از نگاه علمی و هم اجرایی راهبردهای ارتقای رفاه عمومی را ارائه کردند از این نظر راهبردهای ارائه شده در این پژوهش هم پشتوانه علمی و هم قابلیت اجرایی لازم را دارند.

در الگوی ارائه شده، علاوه بر ابعاد رفاه عمومی و راهبردهای ارتقای آن از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، عوامل مداخله‌گر و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر رفاه عمومی نیز شناسایی

شده‌اند. عوامل مداخله‌گر می‌توانند بر اجرای راهبردهای ارتقای رفاه عمومی تأثیر بگذارند. مثلاً، اگر دولت بودجه کافی در اختیار داشته باشد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند برنامه‌های رفاهی خود را بهتر پیش ببرد که بر مبنای راهبردها طراحی شده‌اند یا اینکه رویکرد مشارکتی دولت می‌تواند با بهره‌گیری از توانمندی سایر بازیگران جامعه مانند بخش خصوصی یا جامعه مدنی زمینه فعال شدن ظرفیت‌ها و ایجاد هم‌افزایی را فراهم کند. از طرفی، عوامل زمینه‌ای بستری هستند که راهبردهای شناسایی در آن عملیاتی می‌شوند و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هیچ‌گونه کنترلی بر آن‌ها ندارد. مثلاً، محیط اقتصادی و تغییران آن می‌تواند سطح رفاه جامعه را تغییر دهد یا اینکه عوامل محیط سیاسی مانند تحریم شرایط رفاهی مردم را سخت‌تر می‌کند. نمونه دیگر، انتظارات جامعه است که حداقل سطح رفاه در جامعه را می‌تواند تغییر دهد و امروز نسبت به گذشته، تعریف رفاه از نظر مردم تغییرات زیادی داشته است. در نهایت، ارتقای رفاه عمومی می‌تواند پیامدهای ارزشمندی مانند ارتقای مشروعیت حاکمیت، توسعه پایدار، آرامش روانی جامعه و ... را به همراه داشته باشد.

در نهایت، در این پژوهش تلاش شد تا الگویی جامع و کاربردی برای رفاه عمومی مبتنی بر حکمرانی خوب طراحی شود. پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه نهادها و سازمان‌های متعددی در زمینه رفاه عمومی علاوه بر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فعالیت می‌کنند، نیاز است تا ضمن شناسایی نحوه نقش‌آفرینی هریک از آن‌ها، زمینه هم‌افزایی بین آن‌ها نیز فراهم شده و از اقدامات موازی جلوگیری شود. همچنین، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند در اجرای راهبردها از همکاری این سازمان‌ها و نهادها بهره بگیرد. همچنین، پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌کند به منظور اجرای هریک از راهبردهای ارتقای رفاه عمومی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فعالیت‌ها و اقدامات لازم تعیین شده و نحوه نقش‌آفرینی هریک از بازیگران و وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها مشخص شود. پژوهش حاضر با پژوهش‌های داخلی کریم‌پور و همکاران (۱۴۰۰)، دانائی‌فرد و باباشاهی (۱۴۰۰) و دانائی‌فرد و همکاران (۱۳۹۱) و خارجی کوزلووسکی و همکاران (۲۰۲۱)، ووکلاتو و همکاران (۲۰۲۱) همراستا است که در آن‌ها رابطه بین حکمرانی خوب و رفاه عمومی تأیید شده است. محدودیت پژوهش حاضر تنها در دشواری دسترسی به خبرگان برای انجام مصاحبه‌ها بود که با تلاش‌های انجام شده رفع شد. در پایان، امید است که نتایج پژوهش حاضر سهمی در ارتقای رفاه مردم ایران داشته باشد.

مآخذ

- بادینی، حسن (۱۳۹۲). نظام حقوقی تأمین اجتماعی، گذار از دولت رفاه به ایده حکمرانی مطلوب. *مجله پژوهشات حقوقی*، سال ۱۶، شماره ۶۲، ۱۴۱-۱۲۳.
- بازرگان‌هرندی، عباس (۱۳۸۷). روش تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای مطالعات مدیریت. *فصلنامه دانش مدیریت*، سال ۲۱، شماره ۴، ۷۰-۵۱.
- پارسا، غفار (۱۳۹۹). اهمیت رفاه، تأمین اجتماعی و بهتر زیستن شهروندان. تهران: ویستا. قابل دسترسی در <https://vista.ir/m/a/02go7> (۱۳۹۹/۱۲/۷).
- خستو، مریم، یاحقی، مرضیه (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی شاخص‌های رفاه اجتماعی در نواحی شهری با تأکید بر رویکرد عدالت (مطالعه‌ی موردی: نواحی منطقه ۱ شهر قزوین). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)*، سال ۵۰، شماره ۲، ۳۱۵-۲۹۷.
- دانائی‌فرد، حسن (۱۳۸۸). *چالش‌های مدیریت دولتی در ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- دانائی‌فرد، حسن، باباشاهی، جبار (۱۴۰۰). چگونه سرمایه‌های انسانی بخش دولتی بر رفاه ملی تأثیر می‌گذارد؟. *مجله ایرانی مطالعات مدیریت*، سال ۱۴، شماره ۳، ۴۹۶-۴۸۶.
- دانائی‌فرد، حسن، باباشاهی، جبار، عادل، آذر، کردنابیچ، اسدالله (۱۳۹۱). تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، سال ۱۶، شماره ۷۷، ۶۲-۴۵.
- رفیعی، حسین، محقق‌کمال، حسین، سجادی، حمیرا، عباسیان، عزت‌الله، رهگذر، مهدی (۱۳۹۴). نظر متخصصان ایرانی در مورد ابعاد و بیانگرهای شاخص رفاه اجتماعی ایران: یک مطالعه دلفی. *مجله رفاه اجتماعی*، سال ۱۵، شماره ۵۸، ۱۳۸-۱۲۳.
- شریف‌زاده، فتاح، قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت. مدیریت فرهنگ *سازمانی*، سال ۴، شماره ۵، ۱۱۰-۹۳.
- طاهری، سعید، حسین‌زاده، مریم (۱۳۹۸). تحلیل وضعیت رفاه در ایران بر اساس شاخص‌های استاندارد جهانی. *مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران*، سال ۳۰، شماره ۱، ۲۸۱-۲۳۷.
- کریم‌پور، عیسی، عابدینی، صمد، خانی‌اقباله، عزیز (۱۴۰۰). مطالعه نقش کیفیت حکمرانی خوب در رفاه عمومی (مورد مطالعه: کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه). *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، سال ۱۴، شماره ۵۱، ۴۷-۲۷.
- موسوی، میرهاشم، زاهدی وفا، محمد (۱۳۹۶). ارائه و تبیین ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی رفاه عمومی، براساس تحلیل محتوی آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره). *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ۸، شماره ۳۲، ۳۳۵-۲۰۵.

وفایی، الهام، محمدزاده، پرویز، اصغریور، حسین، فلاحی، فیروز (۱۳۹۷). ارزیابی رفاه اجتماعی و همگرایی رفاه استان‌های ایران برای سنجش توسعه مناطق ایران. *مدل‌سازی اقتصادی*، سال ۱۲، شماره ۴۳، ۲۳-۱.

- Bairoch, P. (1993). *Economic and world history*. Chicago: University of Chicago.
- Bell, D. (1976). *The cultural contradictions of capitalism*. New York: Basic Books. Retrieved from <http://voidnetwork.gr/wp-content/uploads/2016/08/The-Cultural-Contradictions-of-Capitalism-by-Daniel-Bell.-Book.pdf>. (1976/11/4)
- Benish, A., & Mattei, P. (2020). Accountability and hybridity in welfare governance. *Public Administration*, 98, 281–290.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Byrdyn, A. (2008). Goals and criteria for socio-economic. *State building*, 1(1), 1-10.
- Chin, W. W. (1998). The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern Methods for Business Research*, 295(2), 295-33.
- Dacci, L. (2010). Measuring wellbeing and progress. *Social Indicators Research*, 104(1), 47-65.
- Dollar, D., Kleineberg, T., & Kraay, A. (2016). Growth still is good for poor. *European Economic Review*, 81(1), 68-85.
- Duncan, G. (2010). Should happiness-maximization be the goal of government?. *Journal of Happiness Studies*, 11, 163-178.
- Forjaz, M. J., Prieto-Flores, M. E., Ayala, A., Rodriguez-Blazquez, C., Fernandez-Mayoralas, G., Rojo-Perez, F., & Martinez-Martin, P. (2011). Measurement properties of the community wellbeing index in older adults. *Quality of Life Research*, 20(5), 733–743.
- Fornell, C., & Larcker, D. (1981). Evaluating structural equation modeling with unobserved variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39-50.
- Glatzer, W. (2006). Quality of life in the European union and the United States of America: Evidence from comprehensive indices. *Applied Research in Quality of Life*, 1, 169-188.
- Grundler, K. (2020). Culture, diversity, and the welfare state. *Journal of Comparative Economics*, 48(4), 913-932.
- Hunt, P. (2012). Health and wellbeing: The role of government. *Public Health*, 126, 519-523.

- Kozlovskiy, S., Petrunenko, I., Baidala, V., Myronchuk, V. & Kulinich, T. (2021). Assessment of public welfare in Ukraine in the context of the Qovid-19 pandemic and economy digitalization. *Problems and Perspectives in Management*, 19(1), 416-431.
- Legatum, I. (2020). *The legatum prosperity index 2021 creating the pathways from poverty to prosperity*. New-Zealand: United Kingdom. Available at <https://www.prosperity.com/rankings> (2021/4/11).
- Mc-Crea, R., Walton, A., & Leonard, R. (2015). Developing a model of community wellbeing and resilience in response to change. *Social Indicators Research*, 129, 195–214.
- Merriam, S., B. (2009). *Qualitative research: A guide to design and implementation*. New-Zealand: John Wiley & Sons.
- Veenhoven, R. (2009). Well-being in nations is there a conflict between individual and society?. *Social Indicators Research*, 91, 5-21.
- Voukelatou, V., Gabrielli, L., Miliou, I., Cresci, S., Sharma, R., Tesconi, M., & Pappalardo, L. (2021). Measuring objective and subjective well-being: Dimensions and data sources. *International Journal of Data Science and Analytics*, 11, 279–309.
- Werts, C. E., Linn, R. L., & Joreskog, K. G. (1974). Intraclass reliability estimates: Testing structural assumptions. *Educational and Psychological Measurement*, 34(1), 25-33.
- Stone, M., & Geisser, F. (1975). Cross validatory choice and assessment of statistical predictions. *Journal of the Royal Statistical Society*, 36(2), 111-147.
- Hensler, J., Ringle, C., & Sinkovics, R . (2009) .The use of patial least square based multi group analysis. *Advance in International Marketing*, 12(4), 45-64.